



پرسش و پاسخ؛ چراها و چراغها؛ تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت؛ بخش اول»

پدیدآورنده (ها) : مومنی، غلامرضا

فقه و اصول :: نشریه مبلمان :: فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۶ - شماره ۲۱۳

صفحات : از ۱۱۷ تا ۱۲۹

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1301073>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۷/۲۷

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- چیستی معنا
- بررسی و نقد مبانی روایی مخالفان انقلاب و تشکیل حکومت اسلامی در دوره غیبت
- شیعه انگلیسی
- قرائت پذیری دین یا اختلاف پذیری تفقه؟
- امام زمان از نگاه اما خمینی قدس سره (۲)

عناوین مشابه

- پرسش و پاسخ؛ چراها و چراغها «تشکیل حکومت اسلامی» و «حکومت مبتنی بر اطاعت ولی امر»
- بخش اول: علوم عقلی اسلامی: پرسش های کلامی و پاسخ های آیت الله جعفر سبحانی (دام عزه)
- ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت بر اساس آیات قرآن با تأکید بر دیدگاه های مقام معظم رهبری (مدظله)
- بررسی و نقد مبانی روایی مخالفان انقلاب و تشکیل حکومت اسلامی در دوره غیبت
- عزت دینی بر مبنای لزوم تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت
- بررسی توسعه سیاسی در عصر مشروطه و دهه اول انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷)
- واکاوی نقش آیت الله نائینی در جنبش مشروطیت و زمینه سازی تشکیل حکومت اسلامی با تأکید بر اندیشه سیاسی وی
- جایگاه بارگاه رضوی در منازعات سیاسی مذهبی میان صفویان و ازبکان در عصر اول حکومت صفوی (۹۰۷ - ۱۰۳۸ ق)
- حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی شهید صدر/ بررسی مؤلفه های صوری و ماهوی حکومت اسلامی در دوران غیبت
- بخش اول: علوم عقلی اسلامی: عرفان و تصوف در گستره روایات

چراها و چراغها

«تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت: بخش اول»

غلامرضا مؤمنی

اشاره

در شماره گذشته (مبلغان ۲۱۰) موضوع «چراها و چراغها» ارائه گردید و در آن پس از ذکر مقدمه‌ای کوتاه، برخی از پرسشها و شبهات مربوط به نظام اسلامی، ولایت فقیه، ارکان نظام اسلامی و... مطرح و پاسخ آنها درج شد؛ اکنون به ادامه این موضوع اشاره می‌شود:

۳. تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت

پیرامون مسئله «حکومت اسلامی» به طور عام و «حکومت اسلامی پیش از ظهور امام زمان (عج)» به طور خاص، پرسشها و شبهاتی مطرح است که دو سؤال اساسی (دو قول) آن مطرح و پاسخ مربوطه داده می‌شود:

قول اول: ممنوعیت برافراشتن پرچم حکومت قبل از ظهور

گروهی با استناد به برخی از روایات، تشکیل حکومت اسلامی قبل از قیام حضرت مهدی (عج) را کاری عبث و خطا می‌دانند و

معتقدند که اگر در زمان غیبت امام عصر (عج) پرچمی به نام اسلام برافراشته شود، صاحب آن طاغوت است و نباید آن را یاری کرد. به این افراد چه پاسخی می‌توان داد؟

پاسخ به این قول:

متأسفانه مطرح کنندگان این سؤال خواسته یا ناخواسته به نوعی خود را در مقابل نظامی قرار می‌دهند که توانسته است پس از گذشت بیش از ۱۴۰۰ سال از صدر اسلام، شیعه را که همواره در طول تاریخ مورد هجمه و مظلومیت قرار داشته، به عزت، اقتدار و سربلندی برساند.

اما در مقام تبیین این شبهه، باید دانست حدود ۱۷ روایت در باب سیزده «جهاد العدو» کتاب «وسائل الشیعة» آمده است که در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان آنها را به پنج دسته تقسیم کرد. از آنجا که بررسی و تبیین تمامی این روایات از حوصله این مقاله خارج است، در هر دسته از روایات به تبیین

یک روایت بسنده شده که از این رهگذر می‌توان روایات دیگر را نیز تحلیل کرد. این روایات را می‌توان به دو گونه تحلیل کرد: اول پاسخهایی است که ناظر به هر دسته از روایات می‌باشد و دوم، پاسخهایی که به طور کلی شامل تمام این روایات می‌شود.

الف) پاسخ تفصیلی

در اینجا هر کدام از روایات پنج‌گانه مورد استناد «منکرین حکومت اسلامی پیش از ظهور» را نقل و سپس پاسخ آنها را ارائه می‌کنیم:

دسته اول؛ ممنوعیت قیام قبل از ظهور

یکی از روایاتی که طرفداران این نظریه به آن استناد می‌کنند، روایت زیر است:

امام صادق علیه السلام فرمود: «كُلُّ رَايَةٍ تُرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ فَصَاحِبُهَا طَاغُوتٌ يُعْبَدُ مَنْ دُونِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»^۱ هر پرچمی که قبل از قیام قائم برافراشته شود، صاحب آن، طاغوت است که غیر خداوند عزوجل را پرستش می‌کند.»

وجه استدلال:

«کل» از الفاظ عموم و پرچم در این روایت کنایه از مبارزه و قیام است. این روایت می‌فرماید: کل پرچمهایی که قبل از قیام حضرت بر افراشته می‌شود، پرچم غیر خدایی است و کسی که زیر این پرچم برود، خداپرست نیست و در نتیجه باید دست روی دست گذاشت و قبل از قیام حضرت، وارد قیام و مبارزه نشد.

پاسخ به این استدلال:

در مقام پاسخ به این دسته از روایات باید دانست: استنباط از روایات عترت به گونه‌ای که خودشان فرموده‌اند، به آن است که عام و خاص یا مطلق و مقید را بشناسیم. عموم را دیدن؛ اما خصوص را ندیدن، استنباط نیست؛ بلکه خودرایی است.

عموم این روایت با ادله جهاد و دفاع و امر به معروف و نهی از منکر تخصیص می‌خورد. بنابراین، به این باور می‌رسیم که امام در این روایت به قیامهای خودمحرورانه و قیامهایی که دعوت به نفس است، نظر داشته‌اند.

ضمن آن که اگر قرار باشد هر پرچمی قبل از قیام حضرت، طاغوت باشد، پس قیام زید بن علی علیه السلام و حسین بن علی (شهید فخر) نیز باید طاغوت باشد^۲ و این در حالی است که روایاتی در خصوص تأیید این دو قیام به ما رسیده است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «رَحِمَهُ اللَّهُ أَمَا إِنَّهُ كَانَ مُؤْمِنًا وَكَانَ عَارِفًا وَكَانَ عَالِمًا وَكَانَ صَدُوقًا أَمَا إِنَّهُ لَوْ ظَفَرَ لَوْفَى أَمَا إِنَّهُ لَوْ مَلَكَ لَعَرَفَ كَيْفَ يَصْنَعُهَا»^۳ خدا او را رحمت کند! مرد مؤمن، عارف، عالم و بسیار راستگویی بود که اگر پیروز می‌شد، باوفا بود و اگر زمام امور را به دست می‌گرفت، می‌دانست آن را به دست چه کسی بسپارد.»

همچنین امام رضا علیه السلام در تأیید زید بن

۲. برای مطالعه بیش تر ر.ک: درس خارج فقه الحکومه، سید احمد خاتمی، جلسه ۱۷، مورخ ۹۳/۷/۱۴.
۳. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، میرزا حسین نوری، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، بیروت، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص ۳۹۱.

۱. وسائل الشیعة، محمد بن حسن حر عاملی، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۵۲.

علی علیه السلام می فرماید: «إِنَّ زَيْدَ بْنَ عَلِيٍّ لَمْ يَدَّعِ مَا لَيْسَ لَهُ بِحَقٍّ؛ وَإِنَّهُ كَانَ اتَّقَى لِلَّهِ مِنْ ذَلِكَ؛ إِنَّهُ قَالَ: أَذْعُوكُمْ إِلَى الرِّضَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ؛ وَإِنَّمَا جَاءَ مَا جَاءَ فِيمَنْ يَدَّعِي أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى نَصَّ عَلَيْهِ ثُمَّ يَدْعُو إِلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ وَيُضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ. وَكَانَ زَيْدٌ وَاللَّهِ مِمَّنْ خُوِطِبَ بِهِذِهِ الْآيَةِ: وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ!»^۱ زید بن علی ادعا نکرد برای خود آن چیزی را که حق نباشد، و می ترسید که چیزی را به غیر حق برای خود ادعا کند. او می گفت: من دعوت می کنم شما را به رضای آل محمد علیهم السلام من قیام می کنم، سپس حکومت را به دست آن کسی که از آل محمد مرضی و پسندیده برای حکومت است، می دهم؛ اما آن اخباری که از پیغمبر صلی الله علیه و آله وارد شده است، درباره آن کسی است که ادعای امامت کند و بگوید من امام و مردم را به غیر دین خدا بخواند و از روی جهالت و نادانی مردم را از طریق خدا گمراه کند. قسم به خدا! زید از جمله افرادی بود که مخاطب به این آیه شده اند: آن طور که باید و شاید در راه خدا مجاهده کنید؛ زیرا که او شما را اجتبا و اختیار کرده است.» علاوه بر این، روایاتی داریم که دلالت بر افراشته شدن پرچمهای حقی قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام دارند.

«ابی خالد کابلی» از امام باقر علیه السلام روایت می کند که فرمود: «كَانَتِي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ

يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطُونَهُ ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يُعْطُونَهُ فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ فَتَلَاهُمْ شَهَادَةً أَمَا إِنِّي لَوِ ادْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَبْتَيْتُ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ»^۲ گویا در مشرق قومی را مشاهده می کنم که برای به دست آوردن حق قیام می کنند؛ اما حق به آنها داده نمی شود. پس با جدیت بیش تر به دنبال آن می روند، باز هم به آنها داده نمی شود، پس هنگامی که این چنین دیدند، شمشیرهایشان را بر شانه هایشان می گذارند، در آن صورت آنچه می خواهند، به آنها داده می شود؛ اما آنان نمی پذیرند و قیام می کنند و آن را تنها به صاحب شما؛ امام زمان علیه السلام واگذار می کنند. کشته های آنها شهیدند. اگر من چنین زمانی را دریابم، جانم را در اختیار صاحب و رهبر این قیام قرار خواهم داد.»

از «قَتْلَاهُمْ شَهَادَةً» استفاده می شود که این قیام حق است؛ و الا کشته های آنها نباید شهید محسوب شوند.^۴

دسته دوم؛ مشکلات و صدمات ناشی از قیام
دسته دوم از منکرین تشکیل حکومت اسلامی قبل از ظهور حضرت قائم (عج)، به این روایت استدلال می کنند؛

امام صادق علیه السلام می فرماید: «مَا خَرَجَ وَلَا يَخْرُجُ مِنَّا أَهْلُ النَّبِيِّتِ إِلَى قِيَامِ قَائِمِنَا أَحَدٌ لِيَدْفَعَ ظُلْمًا أَوْ يَنْعَشَ حَقًّا إِلَّا اضْطَمَّتْهُ الْبَلِيَّةُ، وَكَانَ قِيَامُهُ زِيَادَةً فِي مَكْرُوهَاتِنَا وَشِيْعَتِنَا»^۵ هیچ یک از

۳. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق، ج ۵۲، ص ۲۴۳.
۴. برای مطالعه بیش تر رک: درس خارج فقه الحکومه، سید احمد خاتمی، جلسه ۱۸، مورخ ۹۳/۷/۱۵.
۵. صحیفه سجادیه علیه السلام، دفتر نشر الهادی، قم، ۱۴۱۸ق، ص ۲۲.

۱. حج / ۷۸.
۲. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محمدباقر مجلسی، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۱۹.

ما اهل بیت تا روز قیام قائم ما، برای جلوگیری از ستمی و به پا داشتن حقی قیام نمی کند، مگر آنکه بلا و آفتی به او می رسد و قیام او بر اندوه ما و شیعیانمان می افزاید.»

وجه استدلال:

این روایت ناظر به این مطلب است که قیامهای قبل از قیام امام عصر علیه السلام شکست خورده، باعث ایجاد مشکلات و صدمات زیادی به مؤمنین می شوند. بنابراین، تشکیل حکومت در عصر غیبت چیزی جز گرفتاری و آفت نصیب شیعیان نمی کند.

پاسخ به این استدلال:

گذشته از خدشه دار بودن سند روایت، بعید نیست این سنخ اخبار از جعلیات ایادی خلفای وقت برای بازداشتن علویین از خروج و ایجاد روح یأس در میان آنان و جلوگیری از توجه مردم به قیام و جهت گرد آمدن زیر پرچم آنان باشد. ضمن آن که باید توجه داشت در متن روایت آمده است: «مَا خَرَجَ وَلَا يَخْرُجُ»؛ یعنی خارج نشده و خارج نمی شود، پس کلام آن حضرت شامل خروج امام حسین علیه السلام نیز می گردد، و اگر این روایت هر خروج و قیامی را تخطئه کند، قیام امام حسین علیه السلام نیز شامل این تخطئه بود. پس، از این معنا دانسته می شود که مراد از این روایت - بر فرض صدور آن از امام - بیان حکم شرعی و اینکه خروج جایز است یا غیر جایز، نیست؛ بلکه بیان یک امر غیبی است که امام از اجداد خویش به دست آورده و تبیین این نکته است که هر کس از ما خروج کند، به صورت صددرصد پیروز نخواهد شد.

وقتی مسلم بن عقیل رضی الله عنه، امام

حسین علیه السلام را به صدق دعوت و بیعت کوفیان آگاه کرد، حجت بر امام در دفاع از دین تمام شد و حتی خبر دادن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از شهادت مانع از خروج و قیام آن حضرت نگردید.

علاوه بر این، اگر برای خروج و قیام کوچک ترین فایده ای جز ظهور خباثت و پلیدی بنی امیه و باطن آنان و اتمام حجت بر مردم متصور نباشد، باز چنین خروج و قیامی جایز و بلکه واجب بود.

امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید: «وَسَأَ جُهْدُ فِي أَنْ أَطَهَّرَ الْأَرْضَ مِنْ هَذَا الشَّخْصِ الْمَعْكُوسِ وَالْجِسْمِ الْمَوْكُوسِ حَتَّى تَخْرُجَ الْمَدْرَةُ مِنْ بَيْنِ حَبِّ الْحَصِيدِ»^۱ و من با تمام توان تلاش می کنم تا زمین را از این شخص واژگون و جسم پلید، پاک سازم تا سفال و کلوخها از بین دانه های درو شده جدا و ممتاز گردند.»

مشخص است مراد امام از این شخص واژگون و جسم پلید، معاویه است که از بنی امیه و از پایه ها و رهبران آنان است و امام با وی به جنگ برخاست، با اینکه حضرت از کسانی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مدت حکومت بنی امیه را به عنوان سرّ به وی خبر داده بود. پس شاید مراد آن حضرت در این باره، این باشد که وی به وظیفه جهاد خویش عمل می نماید تا نیکان از بدان ممتاز شوند؛ اگرچه نهایتاً در جهاد خویش به پیروزی دست نیابد.^۲ بر این اساس استناد به این روایت نیز

۱. نهج البلاغه، سید رضی، تصحیح عزیرالله عطاردی، مؤسسه نهج البلاغه، قم، ۱۴۱۴ق، ص ۳۵۹، نامه ۴۵.
۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک: مبانی فقهی حکومت اسلامی، حسینعلی منتظری، مؤسسه کیهان، قم، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۶۰.

نمی‌تواند دلیلی بر عدم جواز تشکیل حکومت در عصر غیبت باشد؛ بلکه بر هر مسلمانی واجب است به وظیفه خود در احیای دین عمل نماید، ولو نتیجه در ظاهر مطلوب او نباشد.

دسته سوم؛ هدر رفتن خون مؤمنان

برخی دیگر (دسته سوم) با استناد به روایت زیر و دیگر روایات مشابه آن، هرگونه حرکت و قیام شیعیان را ممنوع می‌دانند.

«عیص بن قاسم» از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود: «عَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَحَدِّهِ لَا شَرِيكَ لَهُ وَانظُرُوا لِأَنْفُسِكُمْ فَوَ اللَّهِ إِنْ الرَّجُلَ لَيَكُونُ لَهُ الْغَنَمُ فِيهَا الرَّاعِي فَإِذَا وَجَدَ رَجُلًا هُوَ أَعْلَمُ بِغَنِمِهِ مِنَ الَّذِي هُوَ فِيهَا يُخْرِجُهُ وَيَجِيءُ بِذَلِكَ الرَّجُلِ الَّذِي هُوَ أَعْلَمُ بِغَنِمِهِ مِنَ الَّذِي كَانَ فِيهَا وَ اللَّهُ لَوْ كَانَتْ لِأَحَدِكُمْ نَفْسَانِ يَتَقَاتِلُ بَوَاحِدَةٍ يُجَرِّبُ بِهَا ثُمَّ كَانَتْ الْأُخْرَى بَاقِيَةً تَعْمَلُ عَلَيَّ مَا قَدِ اسْتَبَانَ لَهَا وَ لَكِنَّ لَهُ نَفْسٌ وَاحِدَةٌ إِذَا ذَهَبَتْ فَقَدَ وَ اللَّهُ ذَهَبَتْ التَّوْبَةُ فَأَنْتُمْ أَحَقُّ أَنْ تَخْتَارُوا لِأَنْفُسِكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ آتٍ مِّنَّا فَانظُرُوا عَلَيَّ أَيِّ شَيْءٍ تَخْرُجُونَ وَ لَا تَقُولُوا خَرَجَ زَيْدٌ فَإِنَّ زَيْدًا كَانَ عَالِمًا وَ كَانَ صَدُوقًا وَ لَمْ يَدْعُكُمْ إِلَى نَفْسِهِ وَ إِنَّمَا دَعَاكُمْ إِلَى الرِّضَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام وَ لَوْ ظَهَرَ لَوْفِي بِمَا دَعَاكُمْ إِلَيْهِ إِنَّمَا خَرَجَ إِلَى سُلْطَانٍ مُّجْتَمِعٍ لَيَنْقُضَهُ فَالْخَارِجُ مِمَّنَا الْيَوْمَ إِلَى أَيِّ شَيْءٍ يَدْعُوكُمْ إِلَى الرِّضَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَ فَنَحْنُ نُشْهَدُكُمْ أَنَّا لَسْنَا نَرْضَى بِهِ وَ هُوَ يَعْصِينَا الْيَوْمَ وَ لَيْسَ مَعَهُ أَحَدٌ وَ هُوَ إِذَا كَانَتْ الرِّايَاتُ وَ الْأَلْوِيَةُ أَجْدَرُ أَنْ لَا يُسْمَعَ مِمَّنَا إِلَّا مَنْ اجْتَمَعَتْ بَنُو فَاطِمَةَ مَعَهُ فَوَ اللَّهِ مَا صَاحِبُكُمْ إِلَّا مَنْ اجْتَمَعُوا عَلَيْهِ إِذَا كَانَ رَجَبٌ فَأَقْبِلُوا عَلَيَّ اسْمِ اللَّهِ وَ إِنْ أَحْبَبْتُمْ أَنْ تَتَأَخَّرُوا إِلَيَّ شَعْبَانَ فَلَا ضَيْرَ وَ إِنْ أَحْبَبْتُمْ أَنْ تَصُومُوا فِي أَهَالِيكُمْ فَلَعَلَّ ذَلِكَ يَكُونُ أَقْوَى لَكُمْ وَ كَفَاكُمْ

بِالسُّفْيَانِيَّ عَ لَمَّةً؛^۱ بر شما باد به رعایت تقوای خداوند یکتا که شریکی برای او نیست و مواظب جانهای خود باشید. به خدا سوگند! کسی که برای گوسفندان خود چوپانی دارد، هنگامی که چوپان دیگری را می‌یابد که بهتر از اولی گوسفندانش را نگهداری می‌کند، گوسفندان را از اولی گرفته و به دومی می‌سپارد. چه نیکو بود اگر هر یک از شما دارای دو جان می‌بود که با یکی جنگیده و تجربه می‌اندوختید و با دیگری از تجربیات حاصله استفاده می‌کردید؛ لکن انسان یک جان بیش‌تر ندارد و هنگامی که از دست رفت، دیگر راه بازگشت وجود ندارد، پس سزاوار است از جانهای خود در جهت خیر استفاده کنید. هنگامی که کسی برای قیام به سراغ شما آمد، توجه و دقت کنید که برای چه هدفی قیام می‌کنید؟! نگویند زید هم خروج کرد؛ زید فردی عالم و بسیار راستگو بود و شما را به حاکمیت و ریاست خودش دعوت نمی‌کرد. او شما را به آنچه رضای آل محمد علیهم السلام است، فرا خواند و اگر پیروزی و ظفر می‌یافت، به وعده‌هایش وفا می‌کرد. وی علیه یک قدرت متمرکزی [حکومت بنی امیه] خروج کرد تا آن را شکسته و متلاشی کند؛ اما ببینید آن کسی که امروز از خانواده ما قیام کرد [محمد بن عبدالله] شما را به چه چیز می‌خواند؟ آیا به رضای آل محمد علیهم السلام است؟ ما شهادت می‌دهیم به دعوت او راضی نیستیم. او امروز که تنها و بی‌کس است، نافرمانی ما را انجام می‌دهد. پس هنگامی که

۱. وسائل الشیعة، محمد بن حسن حر عاملی، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۵۰.

علم و پرچمها را برافراشت، و افرادی اطراف او را گرفتند، چگونه از ما اطاعت خواهد کرد؟ به خدا سوگند! رهبر و صاحب شما نیست، مگر کسی که تمام فرزندان فاطمه علیها السلام بر گرد او اجتماع کنند. اگر تمام فرزندان فاطمه علیها السلام بر کسی اجتماعی کردند و ماه رجب است، با نام خدا برای قیام و یاری او حرکت کنید و اگر خواستید تا ماه شعبان تأخیر بیندازید، و اگر ماه رمضان را هم در شهر و خانواده خود روزه گرفتید و پس از ماه مبارک آماده قیام شدید، شاید برای تقویت نیروی شما بهتر باشد و خروج سفیانی برای شناسایی چنین قیامی به عنوان علامت است.»

وجه استدلال:

این روایت به شیعیان سفارش می کند با هر کسی که برای خود خروج می کند، گرچه از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله باشد، قیام نکنید که در این صورت خون خود را به هدر و خویش را بی جهت به کشتن داده اید.

پاسخ به این استدلال:

در مقام پاسخ به این دسته از روایات باید گفت که این گونه روایتی را از دو جهت فضای صدور روایت و تحلیل محتوای روایت می توان مورد بررسی قرار داد. حقیقت این است که فضای صدور روایت در زمان امام صادق علیه السلام بوده که بنی العباس علیه بنی امیه قیام کرده، با رندی تمام سراغ امام صادق علیه السلام رفتند و حضرت دست رد به سینه آنها زد، پس سراغ عبدالله بن الحسن که از نوادگان امام مجتبی علیه السلام بود، رفتند. او بسیار خوشحال شد و به امام صادق علیه السلام نیز سفارش کرد این فرصت را غنیمت بداند. امام که

می دانست بنی العباس می خواهند خودشان حکومت کنند و همچنین می دیدند که منصور و سفاح عباسی از اینها استفاده ابزاری می کنند؛ ولی متأسفانه عبدالله بن حسن این مسئله را نفهمیده بود. او پسرش محمد را مهدی موعود نامید و با شعار «الرضا من آل محمد» قیام کرد؛ ولی خودش از اولین قربانیان حکومت منصور شد.

در تحلیل محتوای روایت نیز می توان به چند مورد اشاره کرد:

۱. قسمت اول روایت به این مهم اشاره دارد که مراقب باشید خود را در اختیار رهبر نامشروع قرار ندهید؛ وگرنه جانش هدر رفته است. بنابراین، هر حزب، جبهه و سازمانی که پرچم بلند کرد، نباید زود زیر پرچمش قرار گرفت (وَ انظُرُوا لِانْفُسِكُمْ) گرچه شامل مادون نفس، مثل آبرو، جوانی و مال نیز می شود.

بر این اساس، این روایت ناظر به این است که مردم زیر هر پرچمی نروند و در پی این نیست که بگویند قیام مقدس نداشته باشید. دلیلش این است که در همین روایت قیام زید را تقدیس می کند و در کنارش، قیام جاه طلبانه محمد بن عبدالله را مورد نکوهش قرار می دهد.

۲. قیام کنندگان علوی، قیام زید را الگو قرار می دادند و شبیه سازی می کردند و می گفتند: همان گونه که زید قیام کرد و مورد تأیید بود، ما هم مورد تأیید هستیم؛ اما امام صادق علیه السلام فرمود خودتان را با زید مقایسه نکنید. زیدی که امام صادق علیه السلام را حجت الهی می داند، با کسی که می گوید من

از امام صادق علیه السلام بالاترم، متفاوت است.

۳. در قسمت آخر روایت امام علیه السلام علایم قیام حضرت ولی عصر علیه السلام را مطرح کرده‌اند که در حقیقت برای خشتی کردن ادعای مهدویت محمد بن عبدالله بوده است.^۱

بر اساس این بررسی و تحلیل، واضح است که این روایت نیز نمی‌تواند مورد استناد اهل سکوت در عصر غیبت قرار گیرد.

دسته چهارم: توقف قیام شیعیان بر خروج سفیانی

برخی دیگر به روایاتی استناد می‌کنند که همه تحرکات شیعیان را متوقف بر خروج سفیانی می‌داند؛ از جمله این روایت: «سدیر صیرفی» از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «يَا سَدِيرُ الزَّم بَيْتِكَ وَ كُنْ جَلْسًا مِنْ أَخْلَاسِهِ وَ اسْكُنْ مَا سَكَنَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ فَإِذَا بَلَغَكَ أَنَّ السُّفْيَانِيَّ قَدْ خَرَجَ - فَارْحَلْ إِلَيْنَا وَ لَوْ عَلَى رِجْلِكَ»^۲ ای سدیر! در خانه‌ات بنشین و مراقب زندگی خود باش و مادامی که شب و روز آرام هستند، آرام گیر، پس هنگامی که خبر به تو رسید که سفیانی خروج کرده، حرکت کن و به سوی ما بیا، ولو پیاده.»

وجه استدلال:

این روایت مخصوص سدیر نیست و امام علیه السلام تصریح دارند که تا خروج سفیانی و قیام قائم علیه السلام هیچ کس نباید قیام کند.

پاسخ به این استدلال:

باید دانست که اتفاقاً در اینجا سدیر خصوصیت دارد؛ زیرا او خیلی داغ و

احساساتی بود. شاهد بر این مدعا روایتی از امام صادق علیه السلام در مورد شخصیت سدیر است که فرمود: «سَدِيرٌ عَصِيدَةٌ بِكُلِّ لَوْنٍ»^۳ سدیر پیچیده شده به هر رنگی است؛ یعنی موضع ثابتی در امور ندارد و هر روز رنگ عوض می‌کند.

حقیقت این است که برخی از شیعیان از امام صادق علیه السلام می‌خواستند با ابومسلم خراسانی و امثال او همکاری نموده یا او را تأیید کند که سدیر جزء این دسته از شیعیان احساسی مزاج بود. ابومسلم خیلی مایل بود به قیام خود رنگ مذهبی بدهد؛ اما حضرت در جواب قاصد که مطالبه جواب نامه ابومسلم را نمود، فرمود: نامه تو جوابی ندارد. در چنین شرایطی، اگر امام بفرماید ساکت باشید و حرکت نکنید و از خانه‌های خود بیرون نیایید و از ما توقع حرکت و قیام نداشته باشید، مطلب واضح است که هرگز نمی‌خواهند دستور دهند مسلمانان، اگر توانستند ظالم و طاغوتی را در هم شکنند، حرکتی نکنند و یا اگر متجاوززی به کشور اسلامی آنها حمله و تجاوز کرد، بنشینند و صبر کنند و تمام مصائب وارده را تحمل نمایند.

پس دفاع شخصی و عمومی را که مطلب عقلی و طبیعی و بر حسب روایات و فتاوی تمام فقها واجب شرعی است، نمی‌توان کنار گذاشت و این گونه روایات هرگز مانع قیام و اقدام در رابطه با برقراری حکومت اسلامی و اجرای قسط و عدل و

۱. برای مطالعه بیش تر رک: درس خارج فقه الحکومه، سید احمد خاتمی، جلسه ۱۳، مورخ ۹۳/۷/۵.
۲. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۵۱.
۳. رجال کشی، محمد بن عمر، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ ق، ص ۲۱۰.

احکام اسلامی در قسمتی از جهان و در مقطعی از زمان نیست و اصلاً در این زمینه ظهور و دلالتی ندارد.^۱

دسته پنجم: ممنوعیت به زحمت انداختن مؤمنان

دسته پنجم از منکرین تشکیل حکومت اسلامی، این عمل را موجب به زحمت افتادن آحاد جامعه می‌دانند و به برخی روایات این باب استناد می‌کنند؛ از جمله:

«ابی مرهف» از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «الْعَبْرَةُ عَلَى مَنْ آتَاهَا هَلَكُ الْمَحَاصِيرُ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ وَ مَا الْمَحَاصِيرُ قَالَ الْمُسْتَعْجِلُونَ أَمَا إِنَّهُمْ لَنْ يَرُدُّوا الْأَمْرَ يَعْزِضُ لَهُمْ إِلَيَّ أَنْ قَالَ يَا أَبَا الْمُرْهِفِ أَتَرَى قَوْمًا حَبَسُوا أَنْفُسَهُمْ عَلَى اللَّهِ لَا يَجْعَلُ لَهُمْ فَرَجًا بَلَى وَاللَّهِ لَيَجْعَلَنَّ اللَّهُ لَهُمْ فَرَجًا»^۲ گرد و غبار به ضرر کسی است که آن را برانگیخته. اسبهای چموش مغرور، هلاک می‌شوند. عرض کردم: فدایت شوم! اسبهای چموش مغرور چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی که عجله می‌کنند. آنان (مأمورین حکومت)، کسانی را زیر نظر گرفته و دستگیر می‌کنند که در معرض دید آنها بوده یا با آنان برخورد داشته باشند. آنگاه فرمود: ای ابی مرهف! آنان به شما گزند نمی‌خواهند رساند، مگر اینکه خداوند برای آنان گرفتاری و سرگرمیهایی را پدید خواهد آورد، سپس آن حضرت در حال اندیشه، چشم به زمین دوخت و فرمود: ای ابی مرهف! عرض

کردم: بلی. فرمود: آیا دیده ای جمعیتی که جان خود را وقف راه خدا کرده باشند، خداوند برای آنان فرجی قرار نداده باشد؟ بلی، به خدا سوگند! خداوند برای آنان راه فرج و گشایشی قرار خواهد داد.»

وجه استدلال:

این روایت دلالت دارد بر اینکه مؤمن نباید عجله کند و پیش از فرارسیدن موعد فرج امام زمان علیه السلام و زوال ملک ظالم، به دنبال برقراری حکومت قسط و عدل برود و بی‌جهت خود را به زحمت بیندازد.

پاسخ به این استدلال:

این روایت از جهت سند ضعیف السند است و همچنین در دلالت اشکال دارد. اینکه نمی‌دانیم ابی مرهف کیست و امام در چه فضایی با او صحبت کرده است! چه بسا خبرچین دشمن بوده و امام می‌خواسته رد گم کند تا او به خلیفه بگوید امام صادق علیه السلام در فکر قیام نیست و نیز «محمد بن علی ابو سمینه» در سند این روایت قرار دارد که وی آنقدر دروغگو بوده که از کوفه به قم فرار کرد و از قم نیز تبعید شد.^۳

از جهت دلالت روایت نیز این روایات می‌خواهند جلوی توقع و انتظار شیعه را در خروج اهل بیت علیهم السلام به عنوان ناجی مستضعفین جهان و برقرار کننده حکومت جهانی قبل از فرا رسیدن موعدهش، بگیرند، نه اینکه در هر شرایط و هر زمان و مکانی به قصد و نیت اکتفا شود و امر به معروف و نهی از منکر یا برقراری حکومت اسلامی در

۱. جهت مطالعه بیشتر تر.ک: رهبری و جنگ و صلح، احمد آذری قمی، بنیاد رسالت، تهران، ۱۳۶۶ش، ص ۳۲.
۲. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۵۱.
۳. برای مطالعه بیشتر تر.ک: درس خارج فقه الحکومه، سید احمد خاتمی، جلسه ۱۶، مورخ ۹۳/۸/۸.

یک مقطع خاص زمانی و مکانی را تعطیل کنند. بنابراین، پر واضح است که ائمه علیهم السلام در صدد جلوگیری از خروج سادات به طور کلی، ولو برای شکستن قدرتهای طاغوتی و امر به معروف و نهی از منکر نیستند.^۱

مؤید این مطلب را می‌توان روایتی از امام صادق علیه السلام دانست که می‌فرماید: «لَا أَرَأُلُ أَنَا وَشِبَعَتِي بَخِيرٍ مَا خَرَجَ الْخَارِجِيَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَلَوْدُدْتُ أَنَّ الْخَارِجِيَّةَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ خَرَجَ وَعَلَيَّ نَفَقَةُ عِيَالِهِ»^۲ پیوسته من و شیعیانم بر خیر هستیم تا هنگامی که شورشگری از آل محمد علیهم السلام خروج کند. چقدر دوست دارم شورشگری از آل محمد علیهم السلام قیام کند و من خرجی زن و بچه و عائله او را پردازم. این روایت به خوبی نشان می‌دهد که قیامی که به طرفداری از حق باشد و منجر به مشغول کردن حکام جور شود، مورد تأیید است. بر این اساس، با استناد به روایت دسته پنجم نیز نمی‌توانند ادعای خود را به اثبات برسانند.

ب) پاسخ اجمالی

پس از بررسی پنج دسته از روایات مورد استناد و پاسخ هر کدام از آنها به صورت مجزا، چنانچه در ابتدا اشاره شد، پاسخهایی نیز می‌توان ارائه کرد که به طور کلی شامل تمام این گونه از روایات شود.

«فضل بن شاذان» از امام رضا علیه السلام نقل کرده است که می‌فرماید: «أَنَّ الْخُلُقَ لَنَا وَقَفُوا عَلَيَّ حَدِّ مَحْدُودٍ وَأَمَرُوا أَنْ لَا يَتَعَدَّوْا تِلْكَ الْحُدُودَ لِمَا فِيهِ مِنْ فَسَادِهِمْ لَمْ يَكُنْ يُثْبِتُ ذَلِكَ وَلَا يَقُومُ إِلَّا

بأن يجعل عليهم فيها أميناً يأخذهم بالوقت عند ما أبيع لهم ويمنعهم من التعدي على ما حظر عليهم لأنه لو لم يكن ذلك لكان أحد لا يترك لذته و منفعتة لفساد غيره فجعل عليهم قيم يمنعهم من الفساد و يقيم فيهم الحدود والأحكام»^۳ همانا خلق دانستند که خداوند برای زندگی بشر حدود و قوانین تعیین فرموده است و به آنان فرمان داده از آن حدود و قوانین تجاوز نکنند؛ چراکه برای آنان فساد و تباهی به ارمغان می‌آورد؛ اما اجرای این قوانین و رعایت حدود شرعی صورت نمی‌پذیرد، مگر آنکه خداوند زمامداری امین برایشان بگمارد تا آنان را از تعدی به حدود و ارتکاب محرمات باز دارد. در غیر این صورت، چه بسا افرادی باشند که از لذت و منفعت شخصی خود به بهای شدن امور دیگران صرف نظر نکنند. از این رو، خداوند برای مردم سرپرستی تعیین فرموده است تا ایشان را از فساد و تباهی باز دارد و احکام و قوانین اسلامی را در میان آنان اقامه کند.

با توجه به این حدیث، از کسانی که مخالف برپایی حکومت در عصر غیبت هستند، سؤال می‌شود: آیا خداوند راضی می‌شود قوانین و حدود شرعی در عصر غیبت تعطیل شود؟! آیا بدون تشکیل حکومت می‌توان قوانین و حدود شرعی را به اجرا درآورد؟ آیا خداوند راضی می‌شود در طول دوران غیبت - که زمان کمی نیست و مشخص نیست تا چه زمانی ادامه داشته

۳. علل الشرایع، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، کتابفروشی داوری، قم، ۱۳۸۶ق، ج ۱، ص ۲۵۳.

۱. جهت مطالعه بیشتر تر رک: رهبری و جنگ و صلح، ص ۳۴.
۲. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۵۴.

باشد - جامعه اسلامی زیر بار ظلم و ستم و فساد برود؟! آیا خداوند راضی می شود دین و دینداران در حاشیه باشند و فساد و فحشا در جامعه اسلامی رواج یابد؟!

تحلیل روایات مانعه

در خصوص روایاتی که جامعه را از تشکیل حکومت قبل از قیام منع می کنند، باید به چند نکته توجه کرد:

۱. در مقابل این روایات، روایاتی صادر شده است که حتی مسلمانان را به مبارزه مسلحانه علیه ستمگران تشویق و ترغیب نموده و آنان را در برابر این فریضه بزرگ مسئول دانسته اند؛ چنانکه امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

«أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ إِنَّهُ مَنْ رَأَى عُدْوَانًا يُعْمَلُ بِهِ وَ مَن مَّنْكَرًا يُدْعَى إِلَيْهِ فَأَنْكَرَهُ بِقَلْبِهِ فَقَدْ سَلِمَ وَ بَرِيٌّ وَ مَن أَنْكَرَهُ بِلسَانِهِ فَقَدْ أُجِرَ وَ هُوَ أَفْضَلُ مِنْ صَاحِبِهِ وَ مَن أَنْكَرَهُ بِالسَّيْفِ لِتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَ كَلِمَةُ الظَّالِمِينَ السُّفْلَى فَذَلِكَ الَّذِي أَصَابَ سَبِيلَ الْهُدَى وَ قَامَ عَلَى الطَّرِيقِ وَ نَوَّرَ فِي قَلْبِهِ الْيَقِينَ»^۱ ای مؤمنان! هر کس تجاوزی را بنگرد و شاهد دعوت به منکری باشد و در دل آن را انکار کند، خود را از آلودگی سالم داشته است و هر کس با زبان آن را انکار کند، پاداش داده خواهد شد و از اولی برتر است و آن کس که با شمشیر به انکار برخیزد تا کلام خدا بلند و گفتار ستمگران پست گردد، او راه رستگاری را یافته و نور یقین در دلش تابیده است.»

۲. تکلیف به دفاع در برابر ظلم و کفر و سعی در حفظ و گسترش حق در هر زمان و مکانی که امکان تحقق آن باشد، قطعی است و آیات و روایات مربوط به جهاد و دفاع و حکومت اسلامی، قابل تخصیص نیست؛

۳. اعتقاد به تعطیل شدن بخش عظیمی از واجبات الهی و رها کردن محرمات و معاصی خدا به حال خود، با امکان اجرای واجبات و جلوگیری از معاصی و محرمات، به معنای رضایت دادن به تحقق کفر و فسق است و حال آنکه قرآن می فرماید: ﴿وَلَا يَرْضَى لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ﴾^۲؛ «هرگز کفر را برای بندگانش نمی پسندد.»^۳

۴. در روایات مورد اشاره، دقیقاً بحث درباره مهدی موعود علیه السلام است و قیامهایی که به داعیه مهدویت قبل از قیام آن حضرت اتفاق می افتد، مثلاً یک سرداری، یک کسی در اواخر حکومت بنی امیه و یا بنی عباس قیام کرده و به این عنوان که مهدی و ذخیره الهی من هستم یا اینکه ممکن است اسم مهدی را روی خودش نگذاشته باشد و بگوید که آن قیام جهانی، امروز است و آن وعده پیغمبر را من می خواهم با شمشیرم انجام بدهم، اینجاست که امام و پیغمبر وعده کرده اند که این قیام، طاغوت، خودخواهی، دروغ، خیانت و انحراف است، وگرنه آیات مربوط به جهاد تعطیل می شود.

۲. زمر / ۷.

۳. جهت مطالعه بیش تر ر.ک: ولایت فقیه، جعفر کریمی، اداره آموزشهای عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، بی جا، ۱۳۷۳ش، ص ۱۱۱.

۱. نهج البلاغه، سید رضی، نشر هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ق، ص ۵۴۱، حکمت ۳۷۳.

آیاتی نظیر: «قَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ»؛^۱ «با پیشوایان کفر پیکار کنید!» و «مَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ»؟^۲ «چرا در راه خدا، و (در راه) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟» و تمام آیات مربوط به ضرورت حاکمیت دین خدا در جامعه، مثل: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛^۳ «باید از میان شما جمعی به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر دعوت کنند!»

و آیاتی که به کل افراد جامعه نهیب می‌زند که چرا در برابر منکرات سکوت می‌کنید؟ چرا حدود الهی اجرا نمی‌شود؟ چرا حکومت عدل ایجاد نمی‌کنید؟ چرا با طاغوت در نمی‌افتید؟ چرا با مستکبران مبارزه نمی‌کنید؟ آیا این آیات الهی تعطیل شوند؟ آیا هزار یا دو هزار سال، سی یا چهل درصد آیات قرآن تعطیل شود و بگوییم: بله، امام زمان علیه السلام ذخیره الهی است تا بیاید و حکومت جهانی تشکیل دهد و ما در طول غیبت هیچ وظیفه‌ای نداریم و ظلم و استکبار، طاغوت و فساد و همه چیز حاکم باشد و نفس ما در برابرشان در نیاید؛ و الا این قیام است، آن هم قیامی که طاغوت است.^۴

اصولاً اگر احکام اجتماعی اسلام در سعادت و کمال انسان هیچ تأثیری نداشت، از ابتدا وضع نمی‌شد. بنابراین، تعطیلی آنها مخلّ کمال و سعادت انسان و خلاف حکمت است و از خداوند حکیم علی‌الاطلاق چنین امری محال می‌باشد. علاوه بر این، تکلیف جمعیت بی‌شماری که در طول غیبت امام عصر علیه السلام زندگی کرده‌اند و به دلیل غیبت و تعطیلی برخی از احکام اسلام در رسیدن به کمال و سعادت آنها اخلاقی به وجود آمده، چه می‌شود؟ آیا به بهانه غیبت می‌شود برخی از احکام را مسکوت گذاشت؟ قرآن کریم نیز این مسئله را محکوم می‌کند و می‌فرماید: «أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ»؛^۵ «آیا به بعضی از دستورات کتاب آسمانی ایمان می‌آورید، و به بعضی کافر می‌شوید؟»

امام خمینی علیه السلام می‌فرماید: «آنکه می‌گوید حکومت نباشد، معنایش این است که هرج و مرج بشود؛ همه هم را بکشند؛ همه به هم ظلم بکنند؛ برای اینکه حضرت بیاید. حضرت بیاید، چه کند؟ برای اینکه رفع کند این را. این یک آدم عاقل، یک آدم اگر سفيه نباشد، اگر مغرض نباشد، اگر دست سیاست این کار را نکرده باشد که بازی بدهد ماها را که ما کار به آنها نداشته باشیم، آنها بیایند هر کاری می‌خواهند انجام بدهند، این باید خیلی آدم نفهمی باشد؛ اما مسئله این است که دست سیاست در کار

۱. توبه/ ۱۲.

۲. نساء/ ۷۵.

۳. آل عمران/ ۱۰۴.

۴. مواضع ما در ولایت و رهبری، محمدجواد باهنر، شاهد، تهران، ۱۳۸۷ش، ص ۵۷ (با کمی تلخیص و ویرایش).

بوده. همان طوری که تزریق کرده بودند به ملتها، به مسلمین، به دیگر اقشار جمعیت‌های دنیا که سیاست کار شماها نیست. بروید سراغ کار خودتان و آن چیزی که مربوط به سیاست است، بدهید به دست امپراتورها. خوب، آنها از خدا می‌خواستند که مردم غافل بشوند و سیاست را بدهند دست حکومت و به دست ظلمه، دست آمریکا، دست شوروی، دست امثال اینها و آنهایی که اذنا ب اینها هستند و اینها همه چیز ما را ببرند، همه چیز مسلمانها را ببرند، همه چیز مستضعفان را ببرند و ما بنشینیم بگوئیم که نباید حکومت باشد! این یک حرف ابلهانه است، منتها چون دست سیاست در کار بوده، این اشخاص غافل را، اینها را بازی دادند و گفتند: شما کار به سیاست نداشته باشید، حکومت مال ما، شما هم بروید توی مسجد‌هایتان بایستید نماز بخوانید! چه کار دارید به این کارها؟

اینهایی که می‌گویند که هر علمی بلند بشود و هر حکومتی، خیال کردند که هر حکومتی باشد، این بر خلاف انتظار فرج است! اینها نمی‌فهمند چی دارند می‌گویند. اینها تزریق کرده‌اند بهشان که این حرفها را بزنند. نمی‌دانند دارند چی چی می‌گویند... ما اگر فرض می‌کردیم دویست تا روایت هم در این باب داشتند، همه را به دیوار می‌زدیم؛ برای اینکه خلاف آیات قرآن است. اگر هر روایتی بیاید که نهی از منکر را بگوید نباید کرد، این را باید به دیوار زد. این‌گونه روایتی قابل عمل نیست. اینها یک

چیزهایی است که اگر دست سیاست در کار نبود، ابلهانه بود؛ لکن آنها می‌فهمند دارند چی می‌کنند. آنها می‌خواهند ما را کنار بزنند.

بله، البته آن پر کردن دنیا را از عدالت، آن را ما نمی‌توانیم [پر] بکنیم. اگر می‌توانستیم، می‌کردیم؛ اما چون نمی‌توانیم بکنیم، ایشان باید بیایند. الان عالم پر از ظلم است. شما یک نقطه هستید در عالم. عالم پر از ظلم است. ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، باید بگیریم؛ تکلیفمان است. ضرورت اسلام و قرآن [است]. تکلیف ما کرده است که باید برویم همه کار را بکنیم؛ اما نمی‌توانیم بکنیم؛ چون نمی‌توانیم بکنیم، باید او بیاید تا بکند؛ اما ما باید فراهم کنیم کار را. فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را هم‌چو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت در هر صورت. این مصیبت‌هایی که هست، که به مسلمانها وارد شده است و سیاست‌های خارجی دامن بهش زده‌اند، برای چاپیدن اینها و برای از بین بردن عزت مسلمین [است] و باورشان هم آمده است خیلی‌ها. شاید الان هم بسیاری باور بکنند که نه، حکومت نباید باشد، زمان حضرت صاحب باید بیاید حکومت.^۱

ادامه دارد...

۱. صحیفه امام، سید روح الله موسوی مصطفوی خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۸ ش، ج ۲۱، ص ۱۵.



رهنمودها و خبرها

ج) بین الملل

- * افتتاح دارالقرآن در دانمارک
- * آموزش زنده علوم اسلامی
- * آموزه‌های واقعی دین یهود
- * تدریس قرآن توسط کشیش
- * ترجمه «نهج البلاغه» به زبان ملی سنگال
- * تعلیمات اسلامی در کرواسی
- * رشته اسلام شناسی
- * ساخت مسجد در زندان
- * هراس غرب از اسلام
- * قرآن و حجاب در کالیفرنیا
- * معرفی اسلام در کلیسای کانادایی
- * نخستین مسجد یوکان در کانادا
- * هفته لباسهای اسلامی
- * یهود و رانندگی زنان

ج) بین الملل

- * از شیعه شدنم احساس آرامش می‌کنم
- * مسلمان شدن ۳۷ سرباز کره جنوبی
- * مسلمان شدن یک جوان یهودی با اعجاز قرآن

الف) مراجع تقلید

- * حرمت فعالیت شرکتهای هرمی
- * روش شادی مردم
- * معرفی الگوهای دینی
- * ملاک حق و باطل

ب) جهان اسلام

- * ۲۰۰ نسخه خطی علیه وهابیت
- * تسلط وهابیت بر نهادهای دینی
- * خوشنویسی قرآن در فیلیپین
- * فالیچه‌های نماز در قطر
- * کنسرت موسیقی در عربستان
- * گردشگری اسلامی
- * گواهینامه سازگاری با شریعت
- * نصب مجسمه مشابه الهه یونانی